



گفت‌وگو با «امین غفاری نژاد»

معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال استان کرمان

یک اولویت؛ ایجاد صنایع پایین دستی برای صنایع بزرگ

توجه داریم که در کشورهای توسعه یافته که دربردارنده صنایع بزرگ و پیشرفته هستند، بنگاه‌های کوچک نقش ممتازی در تاریخ توسعه آن‌ها ایفا کرده‌اند و امروزه نیز سهم عمده‌ای از اشتغال و تولید را به خود اختصاص داده‌اند.

غفاری نژاد معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت استان شمال کرمان اشاره می‌کند که سهم صنایع کوچک از کل صنایع کشور در حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. در استان کرمان نیز ۸۹ درصد پروانه‌های بهره‌برداری در حوزه صنایع کوچک است که حدود ۳۷ درصد اشتغال صنعتی را در برمی‌گیرد. حاصل گفت‌وگو با وی چگونگی چالش‌ها و نیز ساختار و کارآمدی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های حوزه صنایع کوچک را نشان می‌دهد که در ادامه قابل مطالعه و ملاحظه است.



موزاییک، تیرچه و بلوک و غیره می‌باشد. رتبه سوم گروه ساخت مواد و محصولات شیمیایی است، صنایعی که در این گروه قرار دارند حدود ۸۱ فقره واحد صنعتی هستند. گروه چهارم محصولات لاستیک و پلاستیک که ۷۶ فقره به خود اختصاص داده است. این دسته عمده صنایع موجود در گروه صنایع کوچک استان هستند. در مورد آمار صادرات اطلاعات دقیقی نداریم. البته بیشتر سهم صادرات استان به واحدهای متوسط و بزرگ تعلق می‌گیرد. اگر صادرات استان حدوداً بالای ۲ میلیارد تومان باشد بخش زیادی توسط واحدهای بزرگ صورت می‌گیرد. البته اگر فراوری و ضبط پسته را جزو صنایع کوچک به حساب بیاوریم سهم صنایع کوچک عدد قابل توجهی می‌شود، اما اگر پسته را کنار بگذاریم از لحاظ کالاها و محصولات صنعتی واحدهای زیادی نداریم که صادرکننده باشند مثلاً بنگاه تولیدی در سیرجان وجود دارد که نوعی الیاف نانو تولید می‌کند و سالانه حدود ۲۰۰ هزار دلار به خارج از کشور صادر می‌کند؛ اما در مجموع کالاهای صادرات صنعتی در استان، سهم صنایع کوچک ما رقم قابل توجهی نیست.

در حال حاضر چه نسبتی از صنایع کوچک استان غیرفعال و راکد است؟

بر اساس پایشی که سال گذشته در کل استان انجام شد از حدود ۱۴۰۰ واحد تولیدی حدود ۳۹ درصد واحدهای موجود شمال استان را

صنایع کوچک چه سهمی از صنایع استان به لحاظ تعداد، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و صادرات را به خود اختصاص داده است؟

ابتدا مقدمه‌ای از صنایع کوچک مطرح می‌کنم. تعاریف مختلفی از صنایع کوچک چه در منابع داخلی و چه در کشورهای دیگر وجود دارد. در ایران در این مورد وحدت رویه‌ای بین دستگاه‌ها وجود ندارد؛ به‌طور مثال وزارت صنعت، معدن و تجارت تعریف خاص خود را دارد و بانک مرکزی در آمارگیری‌های خود مجموعه دیگری را به‌عنوان صنایع کوچک در نظر می‌گیرد. در حالی که به نظر می‌رسد باید تیمی مرکب از همه مراجع مرتبط، به تعریف واحد و مشخصی برسند و همه آن را ملاک عمل قرار دهند.

به‌عنوان مثال در آلمان بحث صنایع کوچک را هم بر مبنای اشتغال در نظر می‌گیرند و هم حجمی از سرمایه در گردش مالی. تعریفی که آلمان به‌عنوان یک کشور صنعتی از صنایع کوچک دارد این است که تمام واحدهایی که زیر ۱۰ نفر پرسنل و حدود ۲۵۰ هزار یورو (معادل ۴ میلیارد تومان) گردش مالی داشته باشند صنایع کوچک نامیده می‌شوند و اگر بین ۱۰ تا ۵۰۰ نفر پرسنل و گردش مالی ۲۵ میلیون یورو (معادل ۴۰۰ میلیارد تومان) داشته باشند صنایع متوسط گفته می‌شوند؛ اما در ایران در تعریفی که وزارت صنعت، معدن و تجارت از قدیم ملاک عمل قرار داده فقط اشتغال مبنای قرار گرفته و در تعریف دسته‌بندی صنایع، گردش مالی بنگاه مدنظر قرار ندارد. بر این اساس بنگاه‌های زیر ۱۰ نفر پرسنل را صنایع خرد، بین ۱۰ تا ۴۹ نفر را صنایع کوچک، ۵۰ تا ۲۵۰ نفر صنایع متوسط و از ۲۵۰ به بالا را صنایع بزرگ می‌گوییم. البته در اینجا صحبت ما صنایع خرد و کوچک است و صنایع متوسط را شامل نمی‌شود. به هر حال این‌که در کشور، ما هنوز به یک وحدت رویه نرسیده‌ایم و هرکس از نگاهی به این قضیه نگاه می‌کند ایرادی است که وجود دارد.

سهم صنایع کوچک از کل صنایع کشور حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را شامل می‌شود؛ اما در استان کرمان در شرایط فعلی حدود ۱۲۳۲ پروانه بهره‌برداری فعال داریم که از این تعداد ۱۰۹۵ واحد تولیدی کمتر از ۵۰ نفر اشتغال دارند؛ به عبارتی ۸۹ درصد تعداد پروانه‌های بهره‌برداری استان کرمان مشمول تعریف صنایع کوچک می‌شوند. این ۸۹ درصد از لحاظ اشتغال در استان در واحدهای صنعتی توانسته‌اند حدود ۳۷ درصد کل اشتغال بخش صنعت را ایجاد کنند، یعنی در کرمان حدود ۲۳۵۰۰ نفر در صنایع کوچک اشتغال دارند.

نزدیک بیست گروه مختلف صنعتی در کرمان کار می‌کنند که چهار گروه بیش‌ترین تعداد صنایع کوچک را دارند. اولین گروه، گروه محصولات غذایی و آشامیدنی است که حدود ۳۰۰ فقره از تعداد پروانه‌های صنعتی شامل: صنایع شیر، کیک و کلوچه، نوشیدنی‌ها و زیرمجموعه این صنایع در این گروه قرار گرفته است. بعد از گروه صنایع غذایی، گروه محصولات کانی غیرفلزی است که حدود ۲۷۰ فقره از تعداد پروانه‌های صنعتی شامل: واحدهای تولید آجر،

○ اولویت‌های موردنظر در جهت گسترش رونق تولید صنایع کوچک چیست؟

همان‌طور که گفتیم در خیلی از موارد مثل آلومینیوم یا مس صنایع میانی در استان وجود دارد، اما صنایع پایین‌دستی آن شکل نگرفته است.

به‌طور مثال صنایع بزرگ برای آسیاب کردن مواد به گلوله‌های فولادی در سایزهای مختلف نیاز دارند، اما آن را از خارج استان و با حجم زیادی وارد می‌کنند. باید صنایعی که تأمین‌کننده واحدهای بزرگ ما هستند (هم به‌نوعی مواد اولیه هم خوراک) در استان در اولویت‌های سرمایه‌گذاری قرار گیرند. معمول این است که وقتی صنعت بزرگی ایجاد می‌شود در کنار آن صنایع کوچک را نیز ایجاد کنند؛ کاری که در استان اصفهان انجام شده است. متأسفانه کرمان در سایه استان‌های بزرگ صنعتی قرار گرفته است. صنایع بزرگ ما ایجاد شده‌اند اما صنایع پایین‌دستی و همچنین تأمین‌کننده مواد و خدمات به آن‌ها در استان ما رونق نگرفته است؛ بنابراین اولویت این است که صنایع پایین‌دستی صنایع بزرگ را ایجاد کنیم که هم نیازهای صنایع بزرگ را رفع کنند و هم به‌نوعی ما را از استان‌های صنعتی داخل و خارج از کشور خودکفا کنند. البته برنامه‌ای در حال تنظیم است که این ارتباط را ایجاد کنیم. سال گذشته با تعاملاتی که با مس سرچشمه و گل‌گهر انجام شد حدود ۳۰ واحد صنعتی کوچک به واحدهای بزرگ مرتبط شدند. امسال نیز به دنبال این هستیم که این عدد به ۵۰ برسد؛ البته عزم جدی می‌طلبد که بخشی از آن به مدیران واحدهای بزرگ برمی‌گردد و بخشی مرتبط با توانمندی صنایع است؛ به‌طور مثال هنگام کار با شرکت مس سرچشمه باید در سطحی کار کنیم که بتوانیم محصول باکیفیت، ارزان و به‌موقع تحویل بدهیم. این مسائلی است که باید در نظر گرفته شود تا ارتباط مناسب برقرار گردد.

○ توسعه و گسترش صنایع کوچک در شهرک‌های صنعتی استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

خوشبختانه از لحاظ تعداد حدود ۸۹ درصد صنایع استان کرمان، صنایع کوچک هستند اما در زمینه ایجاد ارتباط با واحدهای بزرگ موفق نبوده‌اند. در صنایع غذایی قریب ۳۰۰ پروانه بهره‌برداری داریم یا در زمینه کانی غیرفلزی حدود ۲۷۰ واحد ثبت‌شده داریم اما وقتی در زمینه‌های مرتبط با واحدهای بزرگ بررسی می‌کنیم واحدهای زیادی به چشم نمی‌خورد. مثلاً در گروه ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات در کرمان حدود ۴۰ پروانه بهره‌برداری داریم یا در زمینه ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی حدود ۳۰ واحد صنعتی داریم.

این‌که واحدهایی که می‌توانند تأمین‌کننده واحدهای بزرگ ما باشند در استان رشد نکرده‌اند به این دلیل است که وجود بازاری را احساس نکرده‌اند پس به سمت سوی این واحدها توسعه پیدا نکرده‌اند؛ اما امروز چون بازار در استان وجود دارد انتظار می‌رود واحدهایی که تأمین‌کننده خوراک واحدهای بزرگ هستند مقداری گسترش پیدا کنند. برداشت بنده این است که توسعه

واحدهای فعال و خوب تشکیل می‌دادند. نزدیک ۳۶ درصد جامعه آماري واحدهای نیمه فعال هستند که زیر ظرفیت ۵۰ درصد و نزدیک نقطه سر به سر مشغول به کارند؛ شامل واحدهایی که درگیر مشکلاتی هستند و مشکلات آن‌ها گاهی جدی است مثل حقوق معوق پرسنلی یا بدهی معوق بانکی، مشکلات کارگری و غیره. نهایتاً حدود ۲۵ درصد واحدها تعطیل یا راکد هستند؛ یعنی تقریباً ۳۰۰ واحد صنعتی که از قدیم تا به الان پروانه بهره‌برداری دارند؛ واحدهایی هستند که به‌نوعی تولید صنعتی انجام نمی‌دهند.

○ صنایع کوچک استان تا چه اندازه متناسب با شرایط و پتانسیل‌های استان راه‌اندازی شده‌اند؟ توزیع جغرافیایی آن‌ها را در سطح استان چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

ما باید به پتانسیل و نقاط قوت استان دقت کنیم. به‌طور مثال منطقه ویژه بم به واسطه وجود صنعت خودروسازی سومین تولیدکننده قطب خودروسازی منطقه است، متناسب با آن چهار-پنج واحد صنعتی، بعضاً صنایع جانبی که تأمین‌کننده بخشی از قطعات و مواد اولیه آن‌ها هستند ایجاد شده و به‌نوعی می‌توانند تأمین‌کننده واحدهای خودروسازی باشند و این همگنی خوب است. یا به‌طور مثال فرض کنید در بحث نگهداری خرما در منطقه شرق استان که خرماي زیادی تولید می‌شود، بالغ بر ۱۰۰ واحد سردخانه در منطقه بم، ریگان، نرماشیر به‌عنوان یک ظرفیت اقتصادی خوب ایجاد شده است. این‌ها پتانسیل منطقه‌ای هستند. استان در زمینه فراوری و ضبط پسته نیز حرف برای گفتن دارد. واحدهایی که تولیدکننده ادوات کشاورزی و ترمینال ضبط پسته هستند در شهرستان‌های کرمان، رفسنجان، سیرجان و زرنند قرار دارند که می‌توان گفت متناسب با پتانسیل‌های استان ایجاد شده‌اند. البته مشکلاتی نیز وجود دارد؛ به‌عنوان مثال در مورد صنایع بزرگی که در استان ایجاد شده‌اند مثلاً زنجیره فولاد که از کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و شمش در شهرستان‌های سیرجان، زرنند، بردسیر و کرمان ایجاد شده است یا زنجیره مس که در رفسنجان و شهر بابک وجود دارد. متأسفانه صنایع پایین‌دستی وابسته به این‌ها آن‌طور که باید در استان رشد نکرده است؛ به‌طور مثال کارخانه مس باهنر کرمان یک صنعت میانی و واسطه‌ای است که کاند را می‌گیرد و محصولات میانی مس مثل ورق، شمش و لوله مسی تولید می‌کند، اما صنایع پایین‌دستی این مجموعه ایجاد نشده است. بایستی یک شهرک صنعتی ۴۰-۵۰ واحدی باشد که محصولات نهایی مصنوعات مسی را ایجاد کند مثل صنایع پایین‌دستی نظیر شیر گاز یا رادیاتور، پره‌های پشت یخچال و غیره که در سایر استان‌ها تولید می‌شود. پس در این زمینه در استان هنوز جای کار بسیار وجود دارد. یا مثلاً کارخانه آلومینیوم هزار در شهرک صنعتی یک صنعت میانی است که شمش آلومینیوم را می‌گیرد و محصولات میانی آلومینیوم نظیر ورق و فویل آلومینیومی را تولید می‌کند.

بخشی از این ارتباط را شرکت شهرک‌های صنعتی استان از طریق تشکیلاتی تحت عنوان SPX ایجاد کرده است همچنین شرکتی را مأمور کرده که توانمندی‌های ساخت در استان و نیازهای واحدهای بزرگ را شناسایی کند. این دو باید هماهنگ شوند تا زنجیره محقق شود.

در همین راستا با کمک شرکت مس سرچشمه رفسنجان ابتدا تعدادی واحد شناسایی کردیم سپس نیروهای فنی شرکت مس در واحدهای صنایع کوچک ورود کردند و با یک فرمت و الگوریتم برای توانمندسازی آن‌ها دوره‌های تخصصی مثل کنترل کیفیت، روش‌های تولید و غیره به ایشان آموزش می‌دهند، نهایتاً بر اساس توانمندسازی که ایجاد شده محصولات آن‌ها را در مقیاس خودشان ارتقا می‌دهند. از این طریق ارتباط ۳۰ واحد برقرار شده است. همچنین سال قبل نمایشگاه بزرگی در کرمان برگزار شد که شرکت مس و گل گهر نیازهایشان را عرضه کردند و کالاها و قطعات و تجهیزات موردنیازشان را به نمایش گذاشتند و واحدهای کوچک از این نمایشگاه بازدید کردند و حدود ۱۰۰ قرارداد بین صنایع کوچک و واحدهای بزرگ بسته شد اما چقدر از این تعداد عملیاتی شده است اطلاعی در دست نیست؛ به نظر نمی‌رسد بیشتر از ۲۰ درصد آن‌ها عملی شده باشد.

در ارتباط با بخش اول سؤال که آیا مطابق کشورهای موفق عمل می‌کنیم یا نه، برداشت بنده این است که خیر به این دلیل که صنایع بزرگ ما اکثراً ساختار دولتی دارند و این ساختار

شهرک‌های صنعتی امروز باید با نگاه به واحدهای بزرگ استان انجام گیرد؛ اگر به این سمت‌وسو حرکت کنیم در ۵ سال آینده می‌توانیم شاهد توسعه مناسب شهرک‌های صنعتی استان باشیم در غیر این صورت اگر روند قبلی مدنظر باشد و کماکان نگاه‌های تولید کانی فلزی و با صنعت شیمیایی افزایش یابند این ارتباط هرگز برقرار نمی‌شود.

رشته‌های غالب صنعتی در حوزه صنایع کوچک استان کرمان کدام‌اند؟ از باب توسعه منطقه‌ای آیا هم‌پوشانی صنعتی در توزیع نگاه‌های صنعتی وجود دارد؟ در این خصوص چه توضیحاتی ارائه می‌نمایید؟

رشته‌های غالب همان چهار گروه بود که قبلاً عرض شد، اما در مورد همپوشانی اگر منظور از همپوشانی صنعتی تکمیل زنجیره تولید است بنده فکر می‌کنم وجود ندارد. زنجیره‌ای از صنایع بزرگ در نظر بگیریم که مثلاً مواد معدنی را تبدیل به محصول میانی می‌کند مثل مس یا فولاد که ابتدا به شمش و نهایتاً به محصول نهایی تبدیل شود هنوز این زنجیره در استان کامل نیست؛ نه در فولاد، نه در مس و نه در صنعت آلومینیوم این همپوشانی وجود ندارد و عزم جدی می‌طلبد که در این مسائل ورود کنیم. در بحث خودرو هم که محصول نهایی تولید می‌کنیم تنها حدود ۲۰ درصد ساخت داخل است و ۸۰ درصد آن وارداتی است. البته استحضار دارید که صنعت خودرو صنعت پیچیده‌ای است شاید با این حجم از تولید خودرو ایجاد صنایع جنبی اقتصادی نیست و واردات به‌صرفه‌تر باشد. اگر سالی ۴۰ هزار دستگاه از یک نوع خودرو تولید شود ایجاد صنایع جانبی آن آسان نیست اما اگر این میزان ۴۰۰ هزار دستگاه شود صنایع جانبی آن مقرون به‌صرفه خواهد بود. به‌طور خلاصه به‌عنوان اولویت اول می‌بایست نیازهای عمده اقلام مصرفی واحدهای بزرگ مثل مس و گل گهر را شناسایی کنیم، سپس آن دسته که توان ساختشان در داخل استان وجود دارد را ایجاد کنیم. در اولویت دوم نیاز است که واحدهای کوچک مثل واحدهای ماشین‌سازی و قطعه‌سازی را در راستای توانمندی تأمین استانداردهای واحدهای بزرگ تقویت کنیم؛ و در اولویت سوم برای راه‌اندازی صنایعی که در استان وجود ندارد برنامه‌ریزی کنیم. به‌طور مثال تولید گلوله به روش فورجینگ در استان وجود نداشت و چند سالی است که یکی دو واحد در این زمینه راه افتاده است که حجم کمی از نیاز را برآورده کرده و مابقی همچنان از خارج استان وارد می‌شود. ما در استان باید به سمت تقویت چنین واحدهایی برویم.

امروزه روابط اقتصادی و تجاری صنایع کوچک و صنایع مادر در کشور تا چه اندازه بر اساس مؤلفه‌های موردنظر در صحنه فعالیت‌های تولیدی و تجاری مورد عمل در کشورهای موفق است؟ برای برقراری ارتباط مؤثر بین صنایع کوچک با صنایع متوسط و بزرگ چه اقداماتی صورت گرفته و چه برنامه‌هایی در دست انجام است؟

سهم صنایع کوچک از کل صنایع کشور حدود ۹۲ درصد است که حدود ۴۵ درصد از کل اشتغال بخش صنعت کشور را شامل می‌شود؛ اما در استان کرمان در شرایط فعلی حدود ۱۲۳۲ پروانه بهره‌برداری فعال داریم که از این تعداد ۱۰۹۵ واحد تولیدی کمتر از ۵۰ نفر اشتغال دارند؛ به عبارتی ۸۹ درصد تعداد پروانه‌های بهره‌برداری استان کرمان مشمول تعریف صنایع کوچک می‌شوند. این ۸۹ درصد از لحاظ اشتغال در استان در واحدهای صنعتی توانسته‌اند حدود ۳۷ درصد کل اشتغال بخش صنعت را ایجاد کنند، یعنی در کرمان حدود ۲۳۵۰۰ نفر در صنایع کوچک اشتغال دارند.

به ماشین‌آلات و تجهیزات پیچیده‌ای نیاز ندارند. ویژگی دوم به‌واسطه مقیاس کوچک و نیروبر بودن از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار هستند؛ یعنی به‌راحتی می‌توانند تغییرات سیاسی، بازار و خیلی از تغییرات محیطی را بپذیرند و خودشان را با شرایط منطبق کنند؛ تغییر محصول بدهند یا تیراژشان را تغییر بدهند. این کار در صنایع کوچک راحت‌تر از صنایع بزرگ اتفاق می‌افتد. ویژگی سوم این است که این واحدها به‌واسطه نوع کاری که انجام می‌دهند و به این دلیل که فرایند تولید آن‌ها از پیچیدگی زیادی برخوردار نیست می‌توانند نیروهای تقریباً آکادمیک، دانشگاهی و نیمه ماهر را جذب کنند، آموزش دهند و نیروهای ماهر تربیت کنند. نقطه قوت آن‌ها این است که وقتی نیروهای ایشان به حد قابل قبولی از مهارت رسیدند می‌توانند آن‌ها را به واحدهای بزرگ برای انجام کارهای تخصصی صادر کنند.

○ در حال حاضر شرکت‌های دانش‌بنیان در چه جایگاهی از بنگاه‌داری استان قرار دارند و روند رشد و توسعه آن‌ها را

چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

متولی شرکت‌های دانش‌بنیان معاونت علمی فناوری رییس‌جمهوری آقای دکتر ستاری هستند. این‌که چه تعداد و چه طور، حتماً پارک علم و فناوری اطلاعات دقیق‌تری خواهند داد. در صنعت استان اطلاعات جامعی در مورد واحدهایی که صرفاً دانش‌بنیان باشند و فرایند آن‌ها بر اساس دانش و تکنولوژی روز باشد وجود ندارد و شاید تعداد آن‌ها به تعداد انگشتان دست هم نرسند اما قطعاً چنین شرکت‌هایی در زمینه‌های دیگر وجود دارد.

○ تعریفی که از صنایع کوچک در ایران می‌شود این است که صنایع کوچک شامل بنگاه‌های دارای کمتر از ۵۰ نفر

نیروی انسانی است، به نظر شما آیا:

• تعریف صرفاً بر اساس شاخص تعداد نیروی انسانی به لحاظ سیاست‌های توسعه اقتصادی وافی به مقصود است؟

• با توجه به اندازه متفاوت شاخص‌های بسیار مهم نیروی انسانی، سرمایه، حجم تولید، تجارت خارجی و غیره در شرکت‌ها، چالش‌های مبتلابه آن‌ها چگونه رصد می‌شود.

اگر منظور این است که آیا فقط صرف این‌که شاخص نیروی کار بگیریم کفایت لازم را می‌کند خیر باید اشتغال را در کنار گردش مالی در نظر بگیریم. این مسئله مهم است چراکه امکان دارد واحدی کوچک داشته باشیم که گردش مالی فوق‌العاده بزرگ داشته باشد این مقیاس کوچک نیست؛ امکان دارد کالایی تولید شود که ارزش افزوده یا بازار خیلی زیادی داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته تنها اشتغال در نظر گرفته نمی‌شود، بحث اشتغال را در کنار گردش مالی می‌بینند.

معمول بر این است که دو کار در مورد واحدهای صنایع کوچک انجام می‌دهیم همان‌طور که گفته شد حدود ۳۹ درصد واحدها فعال هستند، ۳۶ درصد نیمه فعال و ۲۵ درصد تعطیل. دو شیوه

باعث شده که بر اساس سیاست جایگزینی واردات کار کنند، یعنی شرکت‌های بزرگ به ازای صادراتی که انجام می‌دهند نیاز خود را از خارج کشور وارد می‌کنند. در نتیجه چرخش این سیکل، کمتر به سمت واحدهای کوچک و توانمند می‌روند. از طرفی در الگوهای توسعه بیان می‌شود که وقتی واحدهای بزرگ ایجاد شدند قبل، بعد یا هم‌زمان باید صنایع کوچک جان بگیرند. متأسفانه این موضوع را در صنعت کشور نمی‌بینیم. به جرات می‌توان گفت شرکت‌های بزرگ عموماً تجهیزات و اقلامی را وارد می‌کنند که توان تولید داخل کشور وجود دارد؛ و زمانی که از ایشان پرسیده می‌شود چرا از داخل کشور خریداری نمی‌کنید در پاسخ می‌گویند کالاهای تولید داخل کشور کیفیت لازم را ندارد، به‌موقع تحویل داده نمی‌شود و یا در موارد مشابه قیمت آن‌ها بالاتر است. در نتیجه عملاً برای تأمین بخش بزرگی از نیاز خود حجم زیادی از ارز کشور را خارج می‌کنند در صورتی که اگر این ارتباط به درستی برقرار بود امروز این اتفاق نمی‌افتاد.

○ مهم‌ترین ویژگی‌های صنایع کوچک از باب مؤلفه‌های

مؤثر در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به صنایع

متوسط و بزرگ کدام‌اند؟

اولین ویژگی این است که صنایع کوچک سرمایه‌بر نیستند و احتیاج به سرمایه‌گذاری انبوه ندارند، به‌طور مثال با سرمایه‌گذاری اندک می‌توان یک واحد ۵۰ نفره را راه‌اندازی کرد. ضمن این‌که

معمولاً سالانه یا دوسالی یک‌بار رصد کلی از واحدهای صنعتی انجام می‌دهیم. سال‌های ۹۴ و ۹۶ این پایش‌ها انجام شده است. به این صورت که به تک تک واحدها مراجعه کرده و با پرسش‌نامه‌هایی مشخص، مشکلات و مسائل آن‌ها را شناسایی می‌کنیم. براساس آخرین پایش انجام شده حدود ۶۳ درصد واحدها مشکل نقدینگی دارند یعنی اعلام کرده‌اند سرمایه در گردش لازم را برای تولید ندارند. حدود ۴۰ درصد واحدها در زمینه‌ی بازاریابی و پیدا کردن مشتری مشکل دارند، یعنی محصول را تولید می‌کنند اما امکان بازار پیدا کردن بازار آن را ندارند و تعدادی با دستگاه‌های دولتی مثل اداره مالیات، تأمین اجتماعی، امور اراضی و غیره مشکل دارند.

زمانی بدون بررسی، به هر شخص متقاضی تسهیلات داده می‌شد. مثل تسهیلاتی که سال ۸۶ بدون اولویت‌گذاری داده شد؛ اما امروز در اداره تسهیلات، اولویت‌های صنعتی را شناسایی و متناسب با اولویت‌ها میزان تسهیلات را پرداخت می‌کنیم و سپس پایش می‌کنیم. اولویت‌گذاری اولاً به دلیل محدودیت منابع نقدینگی انجام می‌شود و دوماً شاید در اولویت‌ها بیشتر به دنبال این هستیم که همه مجوزها را حداقل به‌راحتی صادر نکنیم. اطلاعات بیشتری به متقاضی بدهیم و ایشان را هدایت کنیم تا به زمینه‌هایی ورود کنند که سرمایه آن‌ها از بین نرود. استحضار دارید که ظرف دو سال گذشته سازمان ۱۵۰ اولویت سرمایه‌گذاری را شناسایی کرد و برای این اولویت‌ها مطالعات امکان‌سنجی تهیه شده است، این مطالعات که در راستای توسعه صنعتی استان است در اختیار متقاضیان قرار داده شده است تا منابع از بین نرود.

ضمن این‌که اتفاقی که رخ داده است این است که برخی واحدهای استان به دلیل تعطیلی و یا مشکلاتی که در زمینه تولید داشته‌اند، ظرفیت خالی دارند، سعی کرده‌ایم سرمایه‌گذاری‌های جدید را در راستای پر کردن این ظرفیت‌ها سوق دهیم. مثلاً اگر سوله‌ای نیم ساخته در شهرک صنعتی وجود دارد به سرمایه‌گذار جدید اختصاص پیدا کند. به‌علاوه بانک‌ها حدود ۳۰ واحد صنعتی را به دلیل بدهی‌ها تملک کرده‌اند، به دنبال این هستیم که این واحدها بایکوت نشوند و سرمایه‌گذار جدید را به سمتشان این ارتباط سوق دهیم و از توانمندی آن‌ها استفاده کنیم.

در مجموع بحث‌های بهره‌وری در فضای تولید و بحث‌های استفاده بهینه از منابع موجود باید در اولویت قرار گیرد. در این راستا سال ۹۷ تفاهم‌نامه‌ای با دانشگاه باهنر کرمان بسته شد تا تعدادی از واحدهای صنعتی را عرضه‌یابی کنند و مشکل آن‌ها را شناسایی کرده و بر اساس روش و متدی که ارائه می‌دهند شاخصی برای ارزیابی واحدهای صنعتی داشته باشیم. شاخصی که بتواند وضعیت هر واحد صنعتی حتی واحدهای صنعتی که در این طرح عرضه‌یابی نبودند را مشخص و مشکلات آن‌ها را شناسایی نماید، همچنین بتواند توانمندی‌های واحدهای موفق را معرفی کند، به‌طور مثال چند واحد تولیدی خوب در استان داریم، یک یا دو واحد را گلچین کرده و از روش‌های ایشان در تولید، کنترل کیفیت و بحث‌های تأمین و نگهداری، الگوبرداری کنیم و در واحدهای دیگر گسترش دهیم.

سخن آخر؟

در پایان جای تشکر دارد از مجموعه اتاق بازرگانی کرمان که به‌نوعی یکی از نهادهای خوب توسعه‌ای چند سال اخیر بوده است و همچنین مدیریت خوبی که در کمیسیون‌های تخصصی از جمله کمیسیون صنعت و معدن و کمیسیون بانک و بیمه اتاق وجود دارد و به‌شدت به بهبود این فضا کمک کرده است تقدیر و تشکر کرد.

ارتباطی داریم، یک شیوه ارتباطی گزارش‌ها و پایش‌هایی است که دوره‌ای انجام می‌شود. معمولاً سالانه یا دو سالی یک‌بار رصد کلی از واحدهای صنعتی انجام می‌دهیم. سال‌های ۹۴ و ۹۶ این پایش‌ها انجام شده است. به این صورت که به تک تک واحدها مراجعه کرده و با پرسش‌نامه‌هایی مشخص، مشکلات و مسائل آن‌ها را شناسایی می‌کنیم. بر اساس آخرین پایش انجام شده حدود ۶۳ درصد واحدها مشکل نقدینگی دارند یعنی اعلام کرده‌اند سرمایه در گردش لازم را برای تولید ندارند. حدود ۴۰ درصد واحدها در زمینه‌ی بازاریابی و پیدا کردن مشتری مشکل دارند، یعنی محصول را تولید می‌کنند اما امکان بازاریابی کردن بازار آن را ندارند و تعدادی با دستگاه‌های دولتی مثل اداره مالیات، تأمین اجتماعی، امور اراضی و غیره مشکل دارند. پس به‌طور مشخص پایش‌های دوره‌ای انجام می‌شود و اطلاعات گرفته می‌شود. ضمن این‌که بر حسب جایگاه و مشکلاتی که وجود دارد در تمام زمینه‌هایی که ذکر شد کارگروه‌هایی در سطح استان وجود دارند که مشکلات مراجعین را بررسی می‌کنند. در سال قبل سه کارگروه مرتبط با هم در رصد کردن واحدهای صنعتی وجود داشت که بالغ بر ۴۵۰ درخواست و مشکل را مورد بررسی قرار داد و بیشتر از ۵۰ درصد آن‌ها حل شد و مابقی یا امکان حل مشکل نبود و یا در حال اقدام است.

آسیب‌شناسی صنایع کوچک استان چه نتایجی به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها و راه‌های رفع آن‌ها به دست داده است؟

امسال برای حل مشکل نقدینگی دو اقدام انجام شد اول این‌که به اشخاصی که سال‌های ۹۵ و ۹۶ تسهیلات رونق تولید گرفته‌اند تا سقف ۱۸۰ میلیون تومان متناسب با تسهیلاتشان یارانه بلاعوض داد شد (یارانه حدود ۶ درصد). این کمکی بود که برای کم کردن نرخ سود تسهیلات انجام شد. اقدام دوم این بود که از محل تسهیلات تبصره ۱۸ حدود هزار میلیارد تومان با بانک‌های استان تفاهم‌نامه امضا شد که با نرخ ۱۴ درصد منابع واحدهای صنعتی تأمین شود.

مهم‌ترین اقدامات و دست‌یافته‌های استان در توسعه مشارکت‌ها و نهادسازی در حوزه صنایع کوچک چه بوده است؟

واقعیت قضیه این است که کارهای زیادی انجام شده تا واحدها متحد شوند اما این اتفاق رخ نداد و متأسفانه در این زمینه رهیافتی نداشته‌ایم. اغلب کرمانی‌ها به دنبال مشارکت، تعاونی و شرکت‌پذیری نیستند.

بدیهی است که برخی سیاست‌گذاری‌های گذشته برای توسعه صنایع ناکارآمد بوده و حتی تضييع منابع را رقم زده است، در جهت عدم تکرار اشتباهات گذشته چه تغییراتی در سیاست‌های توسعه صنعتی داده شده است؟